

بررسی رابطه‌ی میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه‌ی موردی: شهر ایلام)

مهرداد نوابخش^۱، محمد رضایی^۲، ماریا رحیمی^۳

چکیده

جامعه‌ی مدنی که به عنوان عالی‌ترین شکل جامعه محسوب می‌شود، نظامی است که در آن تکالیف شهروندان مشخص شده و مشارکت‌پذیری به عنوان بعد اساسی آن در نظر گرفته شده است؛ اما به دلایل متعدد تمایل به مشارکت در امور اجتماعی در میان شهروندان یکسان نیست. یکی از این عوامل، وجود یا عدم وجود اعتماد در سطوح خرد، میانه و کلان ساختار جامعه می‌باشد؛ اعتماد و مشارکت به عنوان عناصر اصلی سرمایه‌ی اجتماعی به دلیل ارتباط مستقیم و فراوانی که با متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارند، مورد توجه بسیاری از محققان می‌باشند. در این پژوهش به بررسی رابطه‌ی این دو متغیر با هم پرداخته‌ایم. این مطالعه به شیوه‌ی پیمایشی است، جامعه‌ی آماری آن شهر ایلام است و بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۳۸۴ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالا به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است؛ پرسشنامه دارای اعتبار صوری بوده و ضریب آلفای کرونباخ پایایی همه‌ی متغیرها بالای ۰/۷ بوده، در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Spss استفاده شده است. بر اساس نتایج، هرچه اعتماد شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی (I:۰/۳۷) آنان نیز بیشتر است. همچنین اعتماد در ابعاد تعمیم‌یافته (۰/۵۸) و بین‌فردی (۰/۵۴/۹) در میان شهروندان از میزان خوبی برخوردار است اما اعتماد در بعد نهادی (۰/۴۹/۷) نسبت ضعیفی دارد. بین سن و وضعیت تأهل افراد با میزان مشارکتشان نیز رابطه وجود دارد.

کلید واژه‌ها: سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، شهر ایلام، شهروندان

مقدمه و بیان مسأله

مشارکت به عنوان اساسی‌ترین عنصر دستیابی به اهداف توسعه، بویژه توسعه‌ی شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. شهر یک پدیده‌ی طبیعی (مجموعه‌ای از مواد، ساختمان‌ها، خیابان‌ها و...) و انسانی (شامل ظرفیت تفکرات افراد، فرهنگ و الگوی زندگی و...) است (کمیته فرهنگ شهری، ۱۳۸۳: ۲-۳) و موجودی زنده و سامانه‌ای همبسته تلقی می‌شود؛ چالش‌های متعدد و بحران‌زای زندگی از جمله نبود تعادل نسبی در روند زندگی اجتماعی / شهری، افزایش مطالبات شهروندان، عدم مطابقت نیازها و خواسته‌ها با منابع مالی و ظرفیت‌های اداری، کم‌اطلاعی شهروندان از حقوق و تکالیف شهروندی، تضعیف روابط و مناسبات اجتماعی و... مدیریت، این سامانه را با معضلات روزافزونی مواجه ساخته است و البته ظرفیت انسان نو به عنوان «شهروند» برای حل مشکلات ناشی از شهری شدن و نابسامانی‌های اجتماعی مدرن و تأمین عدالت برای همگان تنها به کمیت و کیفیت دانش و مهارت‌های فنی او بستگی ندارد، بلکه میزان مشارکت اجتماعی و تعامل و ارتباط متقابل سیاسی و اجتماعی نیز باید در جامعه جای خود را باز کند، چرا که مشارکت عمومی دارای کیفیت و چشم‌اندازهایی است که سرانجام دستیابی به یک راه‌حل همه‌جانبه را ایجاد می‌کند. (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۵) در واقع وقتی از شهروندی صحبت می‌شود منظور موقعیتی فراتر از ساکن بودن در محیط‌های شهری است و البته باید میان شهرنشینی و شهروندی نیز تمایز قائل شد. شهروندی هم یک رابطه است هم یک موقعیت؛ رابطه است چون شکل تعامل میان دولت و فرد را در یک جامعه‌ی

^۱ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران Mehrdad_Navabakhsh@yahoo.com

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس velashedi@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی mariarahimi@live.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۷

تاریخ وصول: ۹۲/۵/۲

مردم‌سالار معین می‌کند و موقعیت است چون هم حق ایجاد می‌کند و هم وظیفه. بنابراین حرکت از ماهیت شهرنشینی صرف به موقعیت شهروندی، مثل هر مهارت دیگر مستلزم بسترسازی همکاری‌ها، تعاملات و روابط متقابل گوناگون در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان جامعه است. به این ترتیب باید گفت همکاری جمعی در جامعه‌ای که سرمایه‌ی اجتماعی عظیمی را در شکل‌های عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده، بهتر صورت می‌گیرد. منظور از سرمایه‌ی اجتماعی در اینجا وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند. سرمایه‌ی اجتماعی نیز مانند دیگر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخصی را فراهم می‌کند که بدون آن غیر قابل دسترس خواهند بود؛ برای مثال گروهی که اعضایش اعتبار خود را نشان داده و به یکدیگر اعتماد زیادی دارند، نسبت به گروههایی که فاقد این ویژگی‌ها هستند، توان انجام کارهای بیشتری را دارند. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۵۸) اعتماد اجتماعی، از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در روابط و تعاملات انسانی نقشی حیاتی ایفا می‌کند: از سطح خرد (خانواده) گرفته تا سطح کلان (جامعه) و حتی در ساخت‌هایی فراتر از آن (جهانی). اعتماد اجتماعی پدیده‌ای است که تسهیل‌گر روابط انسانی است؛ آن را می‌توان احساسی تلقی کرد که فرد یا افراد درباره‌ی چیزی دارند و در واقع یک نگرش مثبت به فرد یا امری خارجی است و مبین میزان ارزیابی از پدیده‌ای است که با آن مواجهیم. (عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۶۹) نیوتن اعتماد را باوری در فرد تعریف می‌کند، که دیگران در بدترین شرایط، آگاهانه و عامدانه به او آسیبی نمی‌رسانند و در بهترین شرایط، به نفع او عمل می‌کنند. با اعتماد، روابط اجتماعی محکم و صلح‌آمیز حفظ می‌شود؛ که اینها به نوبه‌ی خود پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری‌های سازنده است. اگرچه اعتماد با مخاطره همراه است، اما جهان را به جایی خوشایندتر، کارآمدتر و صلح‌آمیزتر برای زندگی تبدیل می‌کند. زندگی اجتماعی بدون اعتماد غیرقابل تحمل و حتی شاید ناممکن است. (نیوتن، ۲۰۰۱: ۲۰۲) در واقع بیشتر پدیده‌های اجتماعی به نوعی با مقوله‌ی اعتماد مرتبط هستند. (روشین و اسلانر، ۲۰۰۵: ۴۱)

به این ترتیب باید گفت هیچ بخشی از جامعه را نمی‌توان جدا از بخش‌های دیگر مطالعه کرد، بلکه هر بخش را باید در زمینه‌ی مناسباتش با بخش‌های دیگر ملاحظه کرد. (کرایب، ۱۳۸۸: ۶۷) مشارکت شهروندان نیز در امور اجتماعی شهر که یکی از انواع مشارکت‌هاست باید در ارتباط با دیگر عوامل تأثیرگذار مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد؛ بدیهی است تحقیق حاضر که با عنوان «بررسی رابطه‌ی میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنها» و با هدف بررسی رابطه‌ی این دو متغیر (فرهنگی / اجتماعی) انجام می‌گیرد، می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران امور شهری قرار دهد. از آنجا که در تحقیقات اجتماعی در شهر ایلام رابطه‌ی دو متغیر مذکور مورد بی‌مهری قرار گرفته است، در پژوهش حاضر این شهر را که شهری در حال توسعه می‌باشد به عنوان جامعه‌ی آماری انتخاب نموده‌ایم.

در نهایت باید گفت هرچه جلب مشارکت شهروندان در امور مختلف بیشتر و موفقیت‌آمیز باشد، مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی شهر سریع‌تر حل و فصل خواهد شد؛ به عبارت دیگر ترویج فرهنگ مشارکت باعث عقلانی شدن مدیریت شهری، حل و فصل شدن مشکلات و معضلات شهری و برآورده کردن نیازهای شهری و... خواهد شد، چرا که گسترش کالبد شهر، پیچیدگی و تنوع روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در شهر از جمله مشکلاتی است که مدیریت شهری ایران با آن درگیر است و تا زمانی که فرهنگ شهروندی در شهرها تحقق

نیابد، یعنی زمینه‌ها و عوامل مرتبط با افزایش مشارکت آنان در ساختار جامعه مهیا نشود و شهروندان مسؤولیت شرکت در اداره‌ی امور شهر خود را نپذیرند، مشکلات به قوت خود باقی می‌مانند.

پیشینه تحقیق

باقری بنجار و رحیمی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ی خویش با عنوان «بررسی رابطه‌ی میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان»، به این نتیجه رسیدند که احساس تعلق اجتماعی شهروندان با مشارکت آنان در سه بعد آن رابطه‌ی معنادار و مثبتی دارد. این تحقیق به روش توصیفی و پیمایشی بوده، جامعه‌ی آماری آن شهروندان ۱۸ تا ۵۵ سال شهر تهران هستند که با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای نمونه‌ی مورد نظر از دو منطقه‌ی ۳ و ۱۲ استخراج شده‌اند و ابزار پژوهش پرسشنامه بوده است. داده‌های به دست آمده نیز از طریق آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. محققان این نوشته دریافته‌اند که شهروندان در دو بعد فرهنگی و سیاسی، مشارکت فعالانه‌تری نسبت به بعد اجتماعی آن داشته‌اند؛ به عبارتی مشارکت سیاسی در بین شهروندان رتبه‌ی اول و مشارکت اجتماعی رتبه‌ی سوم را داشته است، که این ضعف و قوت در تحقق مشارکت در ابعاد مختلف به چگونگی تعریف «جایگاه شهروندان» در مداخله‌ی امور مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ربط داده شده است.

علی‌پور، زاهدی و شبانی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ی «بررسی رابطه‌ی اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران» به روش پیمایش و در سه منطقه‌ی یک، هفت و هفده شهر تهران به بررسی رابطه‌ی این دو متغیر با هم پرداخته‌اند. تعداد ۳۰۰ نفر از شهروندان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و به روش تصادفی استخراج شدند و داده‌های آنان با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شد و با استفاده از نرم‌افزار Spss مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل نشان داده است که بین اعتماد اجتماعی در سه شکل متفاوت آن (فردی، تعمیم‌یافته و نهادی) و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته رابطه‌ی معناداری وجود دارد، هرچند که میزان و جهت این تأثیرگذاری در هر مورد متفاوت است. همچنین ضرایب رگرسیون چند متغیری نشان می‌دهد که میان متغیرهای مورد بررسی اعتماد تعمیم‌یافته و پایگاه اجتماعی-اقتصادی، بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای مشارکت اجتماعی‌اند.

در مطالعه‌ی عبداللهی، ازکیا و فیروزآبادی (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی»، اعتماد و مشارکت به عنوان عناصر اصلی سرمایه‌ی اجتماعی و رابطه‌ی آنها با توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی روستایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. محقق با توجه به مجاور بودن روستای مورد مطالعه (روستای نیک‌نامده از توابع شمیرانات) با کلان‌شهر تهران، این سؤال را مطرح کرده است که کیفیت رابطه‌ی اعتماد و مشارکت در جامعه‌ی روستایی حاشیه‌ی کلان‌شهر چگونه است؟ محقق پس از تعریف نظری مفهوم مشارکت به نوع‌شناسی مشارکت بر حسب موضوع چگونگی دخالت مردم، سطوح اجرایی، کیفیت دخالت مردم، قوای تاریخی، سیاست دولت و نظام حاکم، شرکت مردم در برنامه‌های توسعه پرداخته است و پس از تعاریف نظری برای مفهوم اعتماد، ویژگی‌هایی برای این مفهوم به قرار زیر برمی‌شمارد: ذهنی و شناختی بودن، اعتماد به مثابه‌ی روابط اجتماعی، اعتماد به مثابه‌ی نگاه آینده‌نگر، نسبت در مفهوم اعتماد، ریسک و خطرپذیری و نمایان شدن اعتماد در شرایط کمبود اطلاعات. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که طبق تیپولوژی که محقق از اعتماد اجتماعی دارد، متغیر اعتماد به همسایه‌ها و اهالی روستا، اعتماد

نهادی و سن، رابطه‌ی معناداری با مشارکت اجتماعی داشته‌اند و همچنین با افزایش شعاع اعتماد افراد در جامعه‌ی روستایی، میزان مشارکت اجتماعی آنها افزایش می‌یابد.

یزدان‌پناه (۱۳۸۶) در مطالعه‌ی خود با عنوان «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی» با روش پیمایش به بررسی و شناسایی دقیق میزان مشارکت اجتماعی، ابعاد، عمق و دامنه‌ی آن و موانع مشارکت اجتماعی از نظر عملی می‌پردازد. نمونه‌ی آماری آن ۸۸۰ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر تهران هستند که به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شده‌اند. بر مبنای نتایج به دست آمده از این تحقیق هر چه میزان بی‌قدرتی و بیگانگی و احساس نابسامانی فردی بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی، یعنی مشارکت داوطلبانه و آگاهانه و هدفمند افراد در جامعه کمتر می‌شود و همچنین وجود موانع مخصوصاً موانع خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و ارزیابی از این موانع از طرف افراد بر میزان مشارکت اجتماعی اثرگذار است. در این تحقیق میزان مشارکت اجتماعی در بعد رسمی در بین شهروندان ضعیف است.

تحقیقی با عنوان «مشارکت شهری و اعتماد اجتماعی در میان اقلیت جوانان» توسط کلی^۴ در سال ۲۰۰۹ به صورت پیمایشی در دانشگاه آدلفی انجام گرفت. در این پژوهش مشخص شد گروه‌های جوانانی که در اقلیت قرار دارند، کمتر درگیر فعالیتهای اجتماعی‌اند، زیرا آنان به خاطر تبعیض در مسائل آموزشی و سایر مسائل با دیگران بیشتر محدودیت‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند. همچنین در این پژوهش مشخص شد جوانانی که به انواع مواد مخدر و ناهنجاری‌های دیگر آلوده‌اند، و به طور کلی کسانی که کیفیت زندگی آنان پایین است، اعتماد اجتماعی پایینی دارند. (کلی، ۲۰۰۹)

پژوهش دیگری با عنوان «شعاع مرکزی اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی در ارتباط با خانواده‌محوری و نهاد جمع‌گرایی» توسط آلیک^۵ و ریالو^۶ در سال ۲۰۰۸ به شیوه‌ی پیمایشی انجام گرفت. این مطالعه ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و جمع‌گرایی و فردگرایی را با استفاده از اندازه‌گیری تمایزها بین خانواده‌محوری و نهاد جمع‌گرایی بررسی می‌کند. بر اساس یافته‌های تحقیق در جوامعی که اعتماد به خانواده هسته‌ای یا خویشاوندی فقط محدود است، مردم سطح پایین‌تری از سرمایه‌ی اجتماعی را دارند. سرمایه‌ی اجتماعی زمانی افزایش می‌یابد که مردم در شبکه‌های اجتماعی مختلف و متنوع عضویت داشته باشند. (آلیک و ریالو، ۲۰۰۸)

در زمینه‌ی مشارکت در ابعاد مختلف بویژه بعد اجتماعی آن، در اکثر پژوهش‌های داخلی سعی شده کلان‌شهرها (حتی حوزه‌های مرتبط با آنها) و یا شهرهای بزرگ مورد بررسی واقع شوند، چرا که اعتقاد بر آن بوده است که اداره‌ی شهرهای بزرگ و پر جمعیت به مشارکت نیاز مبرم دارند تا بتوانند مدیریت امور را به سرانجام برسانند؛ به عبارتی شهرهای متوسط و مخصوصاً کوچک از این فرض دورتر تصور شده و تقریباً این فرضیه شکل گرفته است که چون جمعیت غیر کلان‌شهرها زیاد نیست و از نظر جغرافیایی هم مساحت زیادی ندارند، اداره‌ی امورشان راحت‌تر صورت می‌گیرد. در واقع این نقدی است بر بیشتر مطالعات در حوزه‌ی مشارکت که برخی از آنها را در پژوهش حاضر به عنوان مبانی تجربی آورده‌ایم.

⁴ Kelly

⁵ Allik

⁶ Realo

در راستای رفع نقد حاضر از پژوهش‌ها در حوزه‌ی مشارکت و با این اعتقاد که در برهه‌ی زمانی کنونی که کشور در مسیر پیشرفت قرار گرفته است، باید گفت جای‌جای آن باید در همه‌ی امور شاهد مشارکت فعال شهروندان باشد. به عبارتی بررسی چگونگی تعویض نردبان مدیریت از بالا به پایین با نردبان مدیریت از پایین به بالا را باید در این وضعیت کشور در همه جا حتی نقاط محروم و دور افتاده از مرکز را در پژوهش‌ها در نظر داشت تا نتایج کاربردی این مطالعات بتواند گره از کار توسعه‌ی محلی و سپس ملی بر دارد. بر این مبنا، مطالعه‌ی کنونی شهر ایلام را که شهری به نسبت کوچک و کم جمعیت است اما روز به روز بر حجم و تراکم جمعیت آن، بر اثر مهاجرت‌های بی‌رویه از دیگر شهرهای استان به این شهر که مرکز استان است، افزوده می‌شود و بنابراین اداره‌ی امور آن بیش از پیش نیازمند همت و مشارکت شهروندان است، به عنوان جامعه‌ی آماری انتخاب کرده است و با عنایت به متغیرهای مورد بررسی در پژوهش‌های داخلی (ابعاد اعتماد، ابعاد مشارکت اجتماعی و...) و پژوهش‌های خارجی (جمع‌گرایی در بین شهروندان، شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی و...) صورت پذیرفته است.

مبانی نظری

ابتدا باید گفت مشارکت پدیده‌ای اجتماعی است که نتایج و آثار سیاسی و اجتماعی دیگری نیز در بر دارد. مشارکت به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی عبارت است از درگیری در ارزشهای جامعه‌ی عضویت. هرگاه افراد در بطن ارزشها و هنجارهای جامعه خود زندگی کنند، در واقع در حیات اجتماعی مشارکت دارند. در مکتب تفهیمی ماکس وبر و پیروان او، مشارکت با مفهوم شانس^۷ یا احتمال همراه است؛ منظور این است که امکان دارد میزان این شانس در شرایط مختلف و بنا به عوامل مختلف افزایش، کاهش یا حتی در مواردی کاملاً منتفی گردد. این شانس تا هنگامی عینیت دارد که افراد انتظارات معینی از رفتار دیگران داشته و این انتظار به طور عینی همواره تحقق یابد یا برآورده گردد؛ بنابراین تا زمانی که انتظارات افراد در بطن روابط اجتماعی برآورده گردد، مشارکت افراد که همان باور^۸ آنها به نظم مستقر است، تداوم خواهد یافت. (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۴)

هانتینگتون و نلسون مشارکت را در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های دولت مورد توجه قرار داده‌اند؛ به نظر آنها دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروههای اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند. (امین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۱) موریس هالبواکس نیز تعیین جایگاه طبقات اجتماعی در سلسله مراتب جامعه را در درجه‌ی اول به درجه‌ی مشارکت یا بهره‌مندی طبقه از فعالیتهای اجتماعی عالی وابسته می‌داند. (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۴) دانیل لرنر عواملی چون سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و همگانی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی را با مشارکت اجتماعی مرتبط می‌داند و معتقد است این متغیرها در جامعه‌ی مدرن بیشتر نمود دارند. او از جامعه‌ی جدید با عنوان جامعه‌ی مشارکتی نام می‌برد. (لرنر، ۱۹۶۴: ۵۷) اینگلهارت نیز افزایش مشارکت در جوامع پیشرفته را به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت و تغییر در اولویت‌های ارزشی نسبت می‌دهد. به عقیده‌ی او این عوامل بر نیازهای آنی تأکید کمتری داشته و بیشتر بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزند. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۷۸) اینگلهارت علاوه بر عوامل یاد شده، رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت را مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر بر مشارکت

⁷ Chance

⁸ Belief

است، زیرا به واسطه‌ی اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شود که نتیجه‌ی آن تقویت حوزه‌ی کنش و تصمیم‌گیری است. این رویکرد تا حدودی به رویکرد آلموند و وربا شباهت دارد که در بحث «فرهنگ مدنی» اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک و تشکیل روابط ثانویه می‌داند. اینگلهارت همچنین سرمایه‌ی اجتماعی را هم‌ارز اعتماد دانسته و معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی فرهنگ اعتماد و مداراست که به مدد آن شبکه‌های گسترده‌ی سازمان‌های داوطلبانه رشد می‌یابد. به اعتقاد او شبکه‌ها نتیجه‌ی اعتماد مردم به یکدیگرند، نه اینکه اعتماد محصول جانبی انجمنی شدن مردم باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌ورزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در وضعیت‌های مختلف از گروه ورزشی گرفته تا محل کار، انجمن تشکیل دهند و بدین وسیله بیشتر به یکدیگر اعتماد می‌کنند. (رز، ۱۹۹۹: ۷۸)

از نظر پاتنام در تقویت همکاری و مشارکت در جامعه، اعتماد یکی از عناصر ضروری است و یک عنصر غیراختیاری و ناآگاهانه نیست. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲) در واقع به اعتقاد پاتنام آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود. (جاج، ۲۰۰۳: ۱)

اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش‌بینی بر اساس چیزی انجام می‌شود که برنارد ویلیامز آن را اعتماد صمیمانه می‌نامد، یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با فرد بستگی دارد؛ اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت دارد. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲) به نظر گیدنز در جوامع نوین، هر چه افراد فاصله‌ی زمانی - مکانی بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز دارند. در جوامع ما قبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و در رو رخ می‌دهند، در روابط اجتماعی اعتماد به طور طبیعی وجود دارد؛ اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی - مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط کمتر با یکدیگر آشنایی چهره‌به‌چهره دارند، به اعتماد بسیار نیازمندند. (طالقانی، فرهنگی، عابدی، ۱۳۸۹: ۹۲) گیدنز، اعتماد را به عنوان اطمینان از اعتمادپذیری اشخاص یا اتکا بر کیفیت یا ویژگی یک شخص و یا صحت عبارت و گفته‌ای توصیف می‌کند. (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷) وی اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می‌داند که موجود انسانی منفرد را در نقل و انتقال‌ها، در بحران‌ها و در حال و هوایی آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می‌بخشد. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۳) گیدنز، اعتماد را از عناصر و مؤلفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند و معتقد است که چهار زمینه‌ی محلی اعتماد، یعنی؛ خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آنکه در دوران مدرن، اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است. (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۰)

گفتنی است که بسیاری از مکاتب یک ارتباط قوی بین اعتماد و دموکراسی در جامعه یافته‌اند. آنها می‌گویند اعتماد نقش برجسته‌ای را در تعهد به دوام دموکراسی در عرصه‌های مختلف ایفا می‌کند؛ این مکاتب همچنین اعتماد را به عنوان منبع اجتماعی سودمند که وحدت و همکاری را برای کسب سود متقابل تسهیل می‌کند در نظر می‌گیرند. (لی، ۲۰۰۸: ۵۸۵) از سوی دیگر برخی مکاتب سرمایه‌ی اجتماعی هم معتقدند که اعتماد تعمیم‌یافته، مردم را به پیوستن در انجمن‌های داوطلبانه و درگیر شدن در فعالیتهای مدنی تشویق می‌کند. (پارک و شین، ۲۰۰۳: ۱۸) به تصور کوک در دنیای بدون اعتماد، زندگی سخت و نظم اجتماعی شکسته می‌شود و نهادهایی که نوعاً مقررات و نظارت

اجتماعی را در جامعه تولید و تقویت می‌کنند و شرایط سازمانی را برای همکاری در جامعه مهیا می‌سازند، باید برای برقراری نظم اجتماعی، عملکرد خود را به صورتی انعطاف‌ناپذیر اجرا کنند. (کوک، ۲۰۰۱: ۵)

برای سنجش اعتماد در تحقیقات گوناگون از دو شاخص استفاده می‌شود:

الف. سطح فردی^۹ ب. سطح اجتماعی^{۱۰}. (لایت، ۲۰۰۲، به نقل از کاکاوندی، ۱۳۸۷: ۸۰) و برای انواع اعتماد نیز سه شکل عمده را نام برده‌اند:

۱- **اعتماد بنیادی**: نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که رفتار و اعمال ما را متأثر می‌سازد و موجب تقویت تفکری می‌گردد که افراد و امور جهان قابل اعتماد هستند و بر استمرار^{۱۱} و ثبات^{۱۲} آن صحنه می‌گذارد. اریکسون معتقد است که اعتماد بنیادی در مراحل اولیه‌ی زندگی انسان شکل می‌گیرد. (درانی و رشیدی، ۱۳۸۷: ۱۳)

۲- **اعتماد عام یا تعمیم‌یافته**: اعتماد عام یا تعمیم‌یافته را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدا از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف نمود. اعتماد تعمیم‌یافته تنها به افرادی که روابط رو در رو دارند محدود نمی‌گردد بلکه مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد. (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۹)

۳- **اعتماد بین‌شخصی**: شکل دیگری از اعتماد است که در روابط چهره‌به‌چهره‌ی خود را نشان می‌دهد و در نوع شبکه‌ای که فرد در آن مشارکت دارد، به کار می‌رود. اعتماد بین‌شخصی، حوزه‌ای از تعاملات میان دوستان، خویشاوندان، همکاران، همسایگان و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، معلم و شاگرد و پزشک و بیمار و... را در بر می‌گیرد. (درانی و رشیدی، ۱۳۸۷: ۱۳)

در جامعه‌ای که مردم با هم‌نوعانشان تعامل دارند و در انجمن‌های داوطلبانه به یکدیگر می‌پیوندند و به طور جمعی در محیط عمومی فعالیت می‌کنند، اعتماد تعمیم‌یافته متداول است؛ در مقابل در جامعه‌ای که مردم تنها با اعضای گروه‌شان تعامل دارند از زندگی مدنی دور می‌مانند و اعتماد بین‌شخصی مسلط می‌شود. (پارک و شین، ۲۰۰۳: ۱۶)

کلاس اوفه در مقاله‌ی خود با عنوان «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟» می‌نویسد: اعتماد گمانه‌ای بر مبنای ارزیابی دیگران است که ممکن است اشتباه باشد. او معتقد است که از ترکیب دوگانه‌ی «توده-نخبه» و «افقی-عمودی» چهار حوزه به دست می‌آید که روابط اعتماد در آن چهار حوزه خود را نشان می‌دهد: نخستین حوزه، اعتماد شهروندان به هم‌شهریان خود است، حوزه‌ی دوم اعتماد به نخبگان سیاسی یا نخبگان سایر بخش‌ها (از قبیل نمایندگان رسانه‌ها، پلیس، دادگاه، ارتش یا پزشکان است) اعتماد نخبگان به یکدیگر و نخبگان دیگر بخش‌ها از قبیل نخبگان بخش‌های تجاری، کارگری، دینی، دانشگاهی، ارتشی و غیره سومین حوزه‌ی اعتماد را تشکیل می‌دهد و چهارمین حوزه، اعتماد سطوح بالا به سطوح پایین جامعه است که در آن نخبگان درباره‌ی گرایش‌های رفتاری عناصر بخش‌های مختلف یا کل توده‌ها به باورهایی دست می‌یابند. (افه، ۱۳۸۵: ۲۰۷)

با تأکید بر مبانی نظری مطرح شده نهایتاً باید گفت که اعتماد و مشارکت که از عناصر سرمایه‌ی اجتماعی هستند، لازم و ملزوم یکدیگرند و اعتماد هر چه بیشتر (بویژه در جوامع در حال توسعه) گسترش یابد، میزان مشارکت

⁹ Individual level

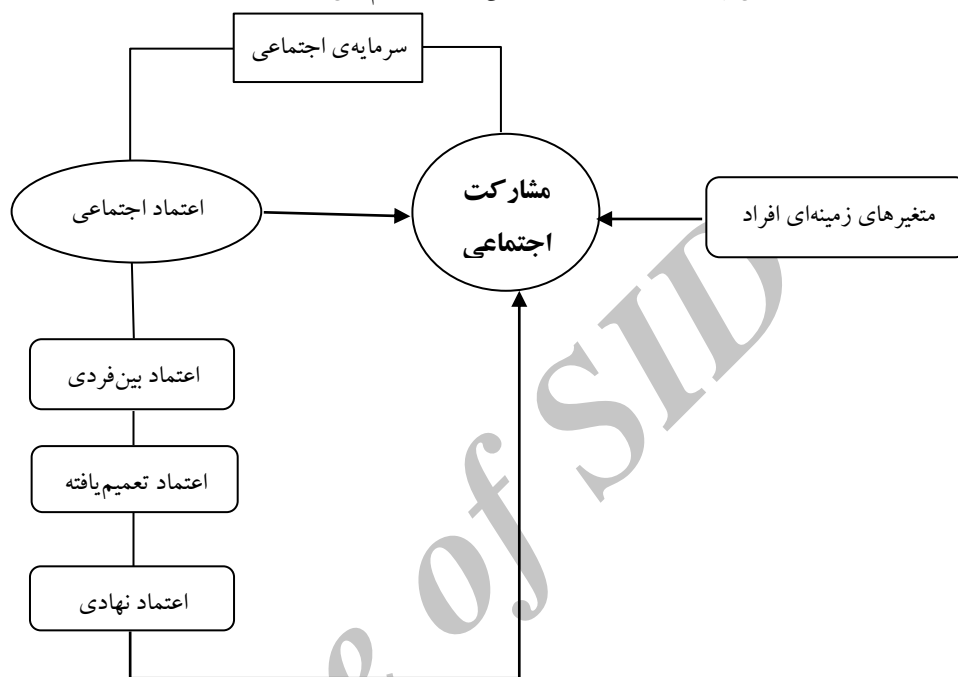
¹⁰ Community level

¹¹ Continuity

¹² Consistency

اجتماعی شهروندان نیز بالا می‌رود. گفتنی است اگر اعتماد در ابعاد سه‌گانه‌ی بین‌فردی، تعمیم‌یافته و بویژه نهادی در میان شهروندان و مسئولان از میزان خوبی برخوردار باشد قطعاً در تحقق مشارکت و گسترش همکاری‌های دو جانبه‌ی مردم و دولت نقش بسزایی خواهد داشت.

به این ترتیب با توجه به مبانی نظری عنوان شده و با تکیه بر اندیشه اینگلهارت، افه، لرنر، گیدنز، پاتنام، هانتینگتون و نلسون، مدل مفهومی پژوهش حاضر به شکل زیر ترسیم می‌شود:



بر اساس نمودار بالا فرضیات پژوهش به شکل زیر طراحی می‌شوند:

- ۱- هر چه میزان اعتماد شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان بیشتر است.
 - ✓ هر چه میزان اعتماد فردی یا بین‌شخصی شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان بیشتر است.
 - ✓ هر چه میزان اعتماد تعمیم‌یافته شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان بیشتر است.
 - ✓ هر چه میزان اعتماد نهادی شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان بیشتر است.
 - ✓ بین میزان اعتماد اجتماعی شهروندان در ابعاد سه‌گانه بین‌فردی، تعمیم‌یافته و نهادی تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین متغیرهای زمینه‌ای شهروندان (سن، جنس، میزان تحصیلات، میزان درآمد، وضعیت تأهل و نوع شغل) با میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است، جامعه‌ی آماری آن شهر ایلام می‌باشد و با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالا به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد و با استفاده از نرم‌افزار Spss (ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی و...) به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته‌ایم.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل: اعتماد اجتماعی

تعریف مفهومی: اعتماد شاخصی از سرمایه‌ی اجتماعی و نظم اجتماعی است که تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می‌کند (کوک، ۲۰۰۱: ۴)؛ پس اعتماد تسهیل‌کننده‌ی رفتار جمعی، ایجادکننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت و مشوق توجه به منافع و علایق جمعی است. (زمرلی و نیوتن، ۲۰۰۸: ۱)

تعریف عملیاتی: در این پژوهش اعتماد اجتماعی را در سه بعد به شرح زیر مورد ارزیابی قرار داده‌ایم:

- اعتماد بین‌شخصی یا فردی: مبتنی بر روابط بین فردی است و به معنای اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان و همکاران و دیگر موارد مشابه است.
- اعتماد تعمیم‌یافته: اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع را شامل می‌شود.
- اعتماد نهادی: بازگوی اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادها و گروههای اجتماعی است، به عبارتی نشان دهنده‌ی میزان اعتماد به نهادها، احزاب و سازمانها و مسؤولان اداره‌ی کشور است.

جدول ۱: ابعاد و شاخص‌های متغیر اعتماد اجتماعی

سؤال	شاخص	بعد	متغیر
۱۰-۱	۱- اگر کسی بخواهد در کارش با کسی شریک شود بهتر است با قوم و فامیلش شریک شود تا با غریبه‌ای که حتی خیلی هم فرد درستی است.	اعتماد فردی یا بین شخصی	اعتماد اجتماعی
۱۰-۲	۲- از میان همسایگانم فقط به یکی، دو نفرشان اعتماد دارم.		
۱۰-۴	۳- در صورت نیاز از دوستانم کمک می‌گیرم.		
۱۰-۹	۴- به اعضای خانواده خود اعتماد دارم.		
۱۰-۳	۱- شما موافقید که اغلب مردم می‌توانند مورد اعتماد واقع شوند.	اعتماد تعمیم‌یافته	
۱۰-۵	۲- به تجربه به من ثابت شده که در رابطه‌ام با دیگران نباید اطلاعات زیادی از خودم به آنها بدهم.		
۱۰-۶	۳- همیشه با دیگران رک و پوست‌کنده حرف می‌زنم.		
۱۰-۷	۴- همواره نسبت به دیگران احساس مسؤولیت می‌کنم.		
۱۰-۸	۵- در رابطه با دیگران همیشه صداقت و درستکاری دارم.		
۱۰-۱۰	۶- به اطرافیان خود اعتماد دارم.		
۱۰-۱۱	۷- در صورت نیاز، به دیگران کمک می‌کنم.		
۱۰-۱۲	۱- به گروه‌ها، تشکلهای و احزاب اعتماد دارم.	اعتماد نهادی	
۱۰-۱۳	۲- به رسانه‌های همگانی اعتماد دارم.		

۱۰-۱۴	۳- به نهادهای صنفی در جامعه اعتماد دارم.		
۱۰-۱۵	۴- به عملکرد مسئولان حکومتی اعتماد دارم.		

متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی

تعریف مفهومی: مشارکت از نظر لغوی بر وزن مفاعله، به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام یک کار است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را کنش یا واقعیت شراکت داشتن و سهم داشتن معنی کرده است. (رهنما، ۱۹۹۹: ۱۱۶، به نقل از غفاری و ازکیا، ۱۳۸۰)

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر مشارکت اجتماعی در دو بعد به شرح زیر سنجیده شده است:

- بعد رسمی (شرکت در فعالیت‌های انجمن‌های محیط زیست، شورای شهر و...)
- بعد غیر رسمی (همکاری با همسایگان، شرکت در هیأت‌ها، روزه‌ها و...)

جدول ۲: ابعاد و شاخص‌های مشارکت اجتماعی

سؤال	شاخص	بعد	متغیر
۹-۱	۱- شرکت در انجمن‌های حفظ محیط زیست (پاکسازی کوهستان و ...)	رسمی	مشارکت اجتماعی
۹-۲	۲- شرکت در فعالیت‌های شورای شهر		
۹-۳	۳- شرکت در انجمن‌های خیریه		
۹-۴	۴- شرکت در انجمن‌های اولیا و مربیان		
۹-۵	۵- شرکت در انجمن‌های علمی، فرهنگی و هنری		
۹-۶	۶- شرکت در انجمن‌های حمایتی مثل حمایت از حقوق زنان، سالمندان و ...		
۹-۷	۱- شرکت در برنامه خرید جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند و کمک به فقرا	غیررسمی	
۹-۸	۲- شرکت در هیأت‌ها، روزه‌ها، سفره‌ها جلسات مذهبی و جشن‌های مذهبی		
۹-۹	۳- همکاری با همسایه‌ها در مراسم عزاداری و عروسی		
۹-۱۰	۴- همکاری با همسایگان و یا مدیریت مجتمع مسکونی در امور عمومی بهداشت محل زندگی		
۹-۱۱	۵- پیگیری امور محله (آسفالت، روشنایی، فاضلاب، گاز و ...)		
۹-۱۲	۶- تماس گرفتن با رادیو و تلویزیون و یا روزنامه‌ی محلی برای رفع و حل یک مورد		

اعتبار و روایی

پژوهشگر در طراحی پرسشنامه برای گردآوری داده‌های پژوهش از گویه‌ها و یا معرف‌های که قبلاً توسط استادان مجرب در تحقیقات قبلی ساخته شده و مورد آزمون قرار گرفته، استفاده کرده است که بدین ترتیب اعتبار معیار تحقیق بالا می‌رود و پس از تدوین پرسشنامه‌ی لازم توسط محقق و به رؤیت رسیدن آنها توسط استادان و متخصصان و رفع اشکال از آنها، در قالب پرسشنامه (طی دو مرحله مقدماتی و نهایی) آماده‌ی توزیع در میان پاسخگویان شد و به این صورت اعتبار صوری پژوهش نیز بالا می‌رود. در پژوهش حاضر برای تحلیل پایایی گویه‌های پرسشنامه از نیز از ضریب پایایی آلفا استفاده شده است که به شرح جدول زیر است:

جدول ۳: ضریب آلفای متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	ضریب آلفا
اعتماد بین شخصی	۰/۷۷۷
اعتماد تعمیم یافته	۰/۷۱۴
اعتماد نهادی	۰/۸۳۱
مشارکت اجتماعی	۰/۷۲۵

یافته‌ها

سیمای جمعیت آماری

در این پژوهش ۴۹/۵ درصد پاسخگویان مرد و ۵۰/۵ درصد آنان زن و ۵۲/۹ درصد آنها با بیشترین فراوانی مجرد هستند. ۵۴/۹ درصد آنها بین ۲۹-۲۰ سال و ۲۶/۹ درصد هم بین ۳۰ تا ۳۹ سال سن داشتند و ۳۳/۳ درصد آنان نیز دارای تحصیلات لیسانس بودند و ۴۳/۲ درصدشان دارای شغل آزاد و ۲۲/۹ درصدشان هم کارمند بودند. ۴۵ درصد پاسخگویان میزان درآمد ماهیانه خود را بین ۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان اعلام کرده‌اند.

نتایج تحلیل توصیفی

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد نمونه بر حسب میزان مشارکت اجتماعی

متغیر	کم	متوسط	زیاد	بی جواب
مشارکت اجتماعی	۵۲/۱	۲۵/۵	۴/۴	۱۸/۱

با توجه به جدول بالا میزان مشارکت اجتماعی شهروندان با بیشترین فراوانی ۵۲/۱ درصد کم می‌باشد، ۲۵/۵ درصد متوسط بوده، ۴/۴ درصد میزان مشارکت اجتماعی‌شان در حد زیاد و ۱۸ درصد هم پاسخی نداده‌اند؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر ایلام کم است.

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصد نمونه بر حسب میزان اعتماد اجتماعی

متغیر	زیاد	متوسط	کم	بی جواب
اعتماد اجتماعی	۲۲/۴	۵۸/۶	۳/۴	۱۵/۶

با توجه به جدول بالا بیشتر پاسخگویان با بیشترین فراوانی در مورد اعتماد اجتماعی در رده متوسط قرار می‌گیرند، ۲۲/۴ درصد اعتماد اجتماعی‌شان در حد زیاد بوده و ۳/۴ درصد هم میزان اعتماد اجتماعی خود را کم اظهار نموده‌اند؛ بنابراین می‌توان وضعیت اعتماد در بین شهروندان شهر ایلام را متوسط اعلام کرد.

با توجه به اینکه در این پژوهش اعتماد در ابعاد سه‌گانه بین‌فردی، تعمیم‌یافته و نهادی مورد مطالعه قرار گرفته است، بر آن شدیم تا ببینیم که وضعیت شهروندان در ابعاد مختلف اعتماد چگونه است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

جدول ۶: آماره‌های توصیفی بر حسب میزان اعتماد شهروندان در بعد بین‌فردی، تعمیم‌یافته و نهادی

متغیر		فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار	حداقل	حداکثر
اعتماد اجتماعی	بین فردی	۳۷۲	۱۴/۷۶	۲/۲۷	۱۱۷/۰	۴	۲۰
اعتماد اجتماعی	تعمیم یافته	۳۵۴	۲۷/۱۷	۳/۲۶	۱۷۵/۰	۱۷	۳۵

اعتماد اجتماعی	نهادی	۳۶۶	۱۱/۸۰	۳/۶۱	۰/۱۸۹	۴	۲۰
----------------	-------	-----	-------	------	-------	---	----

بر طبق نتایج جدول بالا به ترتیب اعتماد تعمیم یافته با میانگین ۲۷/۱۷ (۵۸.۱ درصد شهروندان) و اعتماد فردی با میانگین ۱۴/۷۶ (۵۴.۹ درصد شهروندان) و اعتماد نهادی با میانگین ۱۱/۸۰ (۴۹.۷ درصد پاسخگویان) در بین شهروندان رایج است.

نتایج تحلیل استنباطی

آمار استنباطی به بررسی رابطه‌ی بین فرضیه‌های تحقیق و همبستگی بین آنان می‌پردازد. همبستگی به پژوهشگر کمک می‌کند، تا با توجه به ویژگی‌های نمونه مورد بررسی ویژگی‌های جامعه‌ی آماری را استنباط کند و بتواند، میزان نزدیکی عقاید جمعیت نمونه را با جامعه‌ی آماری تشخیص دهد.

جدول ۷: نتایج حاصل از آزمون معناداری ضریب همبستگی رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی -

شان

متغیر وابسته	متغیر مستقل	سطح خطا	سطح معناداری	مقدار	ضریب همبستگی
مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۳۷۳**	پیرسون

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون با مقدار (۰/۳۷۳) و سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ حاکی از پذیرش فرضیه H_1 است، بدین معنی که مقدار Sig که برابر با $۰/۰۰۰$ است و با توجه به اینکه این مقدار از $۰/۰۵$ کوچک‌تر است، می‌توان نسبت ضریب همبستگی را معنادار دانست، بدین معنی که هرچه میزان اعتماد اجتماعی شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز بیشتر است و فرضیه در این مورد تأیید می‌شود.

جدول ۸: نتایج حاصل از آزمون معناداری ضریب همبستگی رابطه بین میزان اعتماد در ابعاد سه‌گانه با میزان مشارکت اجتماعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	سطح خطا	سطح معناداری	مقدار	ضریب همبستگی
مشارکت اجتماعی	اعتماد فردی یا بین شخصی	۰/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۱۸۸**	پیرسون
مشارکت اجتماعی	اعتماد تعمیم یافته	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۴**	پیرسون
مشارکت اجتماعی	اعتماد نهادی	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۳۵۷**	پیرسون

درباره‌ی اعتماد در بعد فردی، نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون با مقدار (۰/۱۸۸) و سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۰۰۱$ حاکی از پذیرش فرضیه H_1 است، بدین معنی که مقدار Sig که برابر با $۰/۰۰۱$ می‌باشد و با توجه به اینکه این مقدار از $۰/۰۵$ کوچک‌تر است، می‌توان نسبت ضریب همبستگی را معنادار دانست؛ به عبارت دیگر که هرچه میزان اعتماد فردی یا بین شخصی شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان بیشتر است و فرضیه در این مورد تأیید می‌شود.

درباره‌ی اعتماد در بعد تعمیم یافته، نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون با مقدار (۰/۲۷۴) و سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ حاکی از پذیرش فرضیه H_1 است، بدین معنی که مقدار Sig که برابر با $۰/۰۰۰$ می‌باشد و با توجه به

این که این مقدار از ۰/۰۵ کوچکتر است، می توان نسبت ضریب همبستگی را معنادار دانست؛ به عبارت دیگر که هرچه میزان اعتماد تعمیم یافته شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان بیشتر است و فرضیه در این مورد تأیید می شود.

درباره ای اعتماد در بعد نهادی، نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون با مقدار (۰/۳۵۷) و سطح معناداری ۰/۰۰۰ = Sig حاکی از پذیرش فرضیه H_1 است، بدین معنی که مقدار Sig که برابر با ۰/۰۰۰ می باشد و با توجه به اینکه این مقدار از ۰/۰۵ کوچکتر است، می توان نسبت ضریب همبستگی را معنادار دانست؛ یعنی که هرچه میزان اعتماد نهادی شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان بیشتر است و فرضیه در این مورد تأیید می گردد.

جدول ۹: آزمون معناداری تفاوت بین اعتماد اجتماعی در ابعاد سه گانه ی بین فردی، تعمیم یافته و نهادی

متغیر	سطح خطا	سطح معناداری	درجه آزاد	مقدار	ضریب همبستگی
اعتماد بین فردی، تعمیم یافته، نهادی	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۳۷۱	۱۲۵/۲۲۱	بین فردی
			۳۴۴	۱۵۴/۷۰۹	تعمیم یافته
			۳۶۵	۶۲/۴۱۱	نهادی

نتایج حاصل از آزمون t در زمینه ی تفاوت و رابطه ی بین میزان اعتماد اجتماعی در ابعاد سه گانه ی بین فردی، تعمیم یافته و نهادی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ = Sig حاکی از پذیرش فرضیه H_1 است، بدین معنی که مقدار Sig که برابر با ۰/۰۰۰ می باشد و با توجه به اینکه این مقدار از ۰/۰۵ کوچکتر است، می توان نسبت ضریب همبستگی را معنادار دانست، یعنی؛ بین میزان اعتماد اجتماعی شهروندان در ابعاد سه گانه ی بین فردی، تعمیم یافته و نهادی تفاوت معناداری وجود دارد و فرضیه در این مورد تأیید می گردد.

جدول ۱۰: نتایج حاصل از آزمون معناداری ضریب همبستگی رابطه ی سن شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان

متغیر وابسته	متغیر مستقل	سطح خطا	سطح معناداری	مقدار	ضریب همبستگی
مشارکت اجتماعی	سن	۰/۰۵	۰/۰۱۳	۰/۱۴۰**	پیرسون

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون با مقدار (۰/۱۴۰) و سطح معناداری ۰/۰۱۳ = Sig حاکی از پذیرش فرضیه H_1 است، بدین معنی که مقدار Sig که برابر با ۰/۰۱۳ می باشد و با توجه به اینکه این مقدار از ۰/۰۵ کوچکتر است، می توان نسبت ضریب همبستگی را معنادار دانست، یعنی؛ بین سن شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد، فرضیه تأیید می شود. و در سنین جوانی بیشترین مشارکت وجود دارد و هرچه سن افزایش پیدا می کند، از میزان مشارکت کاسته می شود.

جدول ۱۱: تحلیل واریانس جهت رابطه بین وضعیت تأهل شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی آنان

ضریب همبستگی	منبع تغییر	جمع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	سطح معناداری	مقدار F	متغیر مستقل	متغیر وابسته
--------------	------------	-------------	------------	-----------------	--------------	---------	-------------	--------------

مشارکت اجتماعی	وضعیت تأهل	۴/۳۳۰	/۰۱۴	۳۵۹/۴۰۱	۲	۷۱۸/۸۰۲	بین گروهی	آزمون f
				۸۳/۰۰۹	۳۱۲	۲۵۸۹۸/۷۴۰	درون گروهی	

نتایج حاصل از آزمون f (تحلیل واریانس) در زمینه‌ی تفاوت و رابطه‌ی بین وضعیت تأهل شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی آنان با مقدار ۴/۳۳۰ و سطح معناداری $Sig = .۰۱۴$ حاکی از پذیرش فرضیه H_1 است، بدین معنی که مقدار Sig که برابر با ۰/۰۱۴ می‌باشد و با توجه به اینکه این مقدار از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، می‌توان نسبت ضریب همبستگی را معنادار دانست؛ به عبارت دیگر بین وضعیت تأهل شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی آنان تفاوت معناداری وجود دارد و فرضیه تأیید می‌گردد. این امر نشان می‌دهد که معمولاً میزان مشارکت اجتماعی افراد مجرد نسبت به افراد متأهل بیشتر می‌باشد؛ بنابراین بیشترین میزان مشارکت اجتماعی در بین افراد مجرد دیده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی در پژوهش حاضر، شناخت رابطه‌ی میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان است، برای تبیین آن از نظریه‌های مختلفی استفاده شده و با تدوین فرضیه‌ها، محتوای آنها آزموده شده که در ادامه به شرح آنها می‌پردازیم.

نتیجه‌ی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در کل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان شهر ایلام از نسبتی کمی برخوردار است و البته این نتیجه‌ی چندان رضایت‌بخشی نیست، اما همین میزان کم مشارکت اجتماعی شهروندان تحت تأثیر میزان اعتماد اجتماعی در بین آنان می‌باشد. این نتیجه‌گیری با تکیه بر مبانی نظری پژوهش (اینگلهارت، پاتنام و...) و همچنین نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی تقویت می‌شود؛ نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی فرض می‌کند که به طور کلی هرچه بیشتر با دیگران پیوند داشته باشیم، نشانگر اعتماد بیشتر ما به آنها و بر عکس خواهد بود. (زتومکا، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۲)

در بین ابعاد سه‌گانه‌ی اعتماد، میزان اعتماد شهروندان در بعد تعمیم‌یافته و بین‌فردی از نسبت خوبی برخوردار بود. این نتیجه می‌تواند نشان از صداقت، همدلی و... در بین شهروندان شهر ایلام باشد. اما اعتماد در بعد نهادی یعنی اعتماد شهروندان به سازمانها و نهادهای دولتی و رسمی متأسفانه از نسبت بالایی برخوردار نبوده و این نکته‌ی ظریف و مشکلی است که نه فقط در ایران که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلایلی که وارد بحثشان نمی‌شویم مشاهده می‌شود و منشأ بسیاری از مشکلات در اینگونه جوامع است و جای آن است که مسؤولان در ایجاد جو اعتماد عموم نسبت به عملکردشان اقدامات لازم را انجام دهند که بتوانند مردم را همدل و همراه خود کنند و در نتیجه زودتر و راحت‌تر به اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برنامه‌ریزی‌های ملی - محلی برسند و مسیر توسعه و پیشرفت را هموار سازند.

درباره‌ی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای شهروندان بر مشارکت اجتماعی‌شان، دو متغیر سن و وضعیت تأهل آنان با متغیر وابسته ارتباط داشتند. بنابر نتایج با افزایش سن شهروندان میزان مشارکت اجتماعی آنان کاهش می‌یافت و همین‌طور افراد مجرد نسبت به افراد متأهل مشارکت بیشتری داشتند. شاید تبیینی که بتوان برای این نتیجه‌گیری ارائه داد به این

صورت باشد: با توجه به اینکه شهر ایلام از شهرهای محروم کشور می‌باشد و افراد با قبول مسؤلیت زندگی مشترک و با بالا رفتن سن، درگیر تأمین معاش می‌شوند؛ با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و.. موجود و بیکاری فزاینده و تورم و بی‌درآمدی و... دیگر توانی (جسمی، روحی و روانی، مالی و...) برای درگیر شدن در کارهای دیگر غیر از گذران امور روزمره‌ی خود و خانواده‌شان ندارند و به این ترتیب احساس تعلق‌شان نسبت به جامعه با شرایط تشریح شده کاهش می‌یابد و در نتیجه رغبت‌شان به مشارکت در امور مختلف کم می‌شود.

در نهایت باید گفت، تا زمانی که نتوان مردم را به این باور و یقین کشاند که با مشارکت، تعاون و همیاری، می‌توان به جامعه‌ای مرفه‌تر و سعادت‌مند دست یافت و تا زمانی که نتوان فرهنگ خود محوری و خودپسندی را در جامعه از میان برداشت، تأمین مشارکت مردم امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر باید ارزشهای مشارکت در افراد درونی شوند؛ و البته این مهم هم وظیفه‌ی شهروندان است و هم مسؤولان؛ بویژه که در شرایط امروز دیگر نمی‌توان مدیریت جامعه را صرفاً وظیفه‌ی نهادهای دولتی دانست بلکه باید افزود در کنار این وظایف بدیهی، مدیریت جامعه به ناچار به دنبال ایجاد فضای مناسب برای ارتقای مشارکت شهروندان باشد که این مهم نیازمند آموزش، فرهنگسازی، شفافیت‌سازی و ایجاد اعتماد اجتماعی در سطح مناسب است و البته توجه به قابلیت‌ها و خلاقیت‌های شهروندان از طریق ایجاد کانال‌های دوجانبه‌ی ارتباطات است.

با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده برای ارتقای سطح مشارکت اجتماعی شهروندان پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- تشویق به مشارکت مردم در اداره‌ی امور و اطلاع‌رسانی به موقع به آنها. وسایل ارتباط جمعی بویژه تلویزیون (۵۶.۷ درصد پاسخگویان در روز بیش از سه ساعت برنامه‌های تلویزیون را می‌بینند). از جمله عوامل مهمی هستند که در ایجاد روحیه‌ی مشارکت در مردم مؤثرند و می‌توانند با تحریک روانی مردم و ایجاد فضای همدلی، باعث افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان گردند. در بخش مبانی نظری پژوهش نیز اندیشه‌ی لرنر تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر افزایش مشارکت را نشان داده بود. برای جلب مشارکت مردم بهترین تبلیغات از طریق تلویزیون و البته تلفن همراه (پیام کوتاه) نیز می‌باشد؛ زیرا اکثریت مردم با این دو رسانه سروکار بیشتری دارند.

۲- تلاش جهت تمرکززدایی و حرکت به سوی واگذاری امور به مردم. به واقع عملکرد مسؤولان جامعه را از عوامل مهم در امر مشارکت قلمداد می‌کنند. (لی، چکیده: ۲۰۰۶)

۳- آگاهی نسبت به خواسته‌ها و نیازهای مردم در امور مختلف

۴- پاسخگو بودن مسؤولان به مردم در همه‌ی امور و ایجاد جو اعتماد عمومی به خود

۵- انجام مطالعات و پژوهش‌های کاربردی بیشتر در خصوص عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور مختلف

منابع

- امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، *نمایه‌ی پژوهش*، شماره‌ی ۳.
- امین‌زاده، محسن. (۱۳۷۶). «توسعه‌ی سیاسی»، *اقتصاد T اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، خرداد و تیر ۱۳۷۶ - شماره‌ی ۱۱۷ و ۱۱۸.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). «تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته صنعتی»، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
- افه، کلاوس. (۱۳۸۵). «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟»، در کتاب سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاجبخش، تهران: شیرازه.
- باقری‌بنجار، عبدالرضا و رحیمی، ماریا. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه‌ی میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان» (مطالعه‌ی موردی شهر تهران)، *فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال دوم، شماره‌ی پنجم.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). «مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه‌ی آنومیک»، تهران: تهران.
- درانی، کمال و رشیدی، زهرا. (۱۳۸۷). «بررسی تعاریف، مفاهیم و چگونگی ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی (با تأکید بر اعتماد اجتماعی)»، *ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی*، سال دوم، شماره ۱۷ و ۱۸.
- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶). «اعتماد: نظریه‌ی جامعه‌شناختی»، ترجمه: غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- طالقانی، غلامرضا و فرهنگی، علی اکبر و عابدی‌جعفری، عابد. (۱۳۸۹). «طراحی مدل عوامل مؤثر بر اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری»، *نشریه‌ی مدیریت دولتی*، دوره‌ی دوم، شماره ۴.
- عباس‌زاده، محمد. (۱۳۸۳). «عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان»، *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره‌ی ۱۵.
- عبداللهی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی (مطالعه‌ی موردی روستای نیکانمده از توابع شهرستان شمیرانات)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته توسعه روستایی، استاد راهنما دکتر مصطفی ازکیا، دکتر سید احمد فیروز آبادی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد، شیانی، ملیحه. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه‌ی اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم.
- کاکاوندی، اکرم. (۱۳۸۷). «تبیین سرمایه‌ی اجتماعی جوانان (با تأکید بر نقش خانواده)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی* دانشگاه تربیت مدرس.
- کرایب، یان. (۱۳۸۸). «نظریه‌ی اجتماعی کلاسیک»، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: آگه.
- کمیته فرهنگ شهری. (۱۳۸۳). ستاد شهر سالم تهران، تابستان ۸۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). «پیامدهای مدرنیت»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.
- _____ . (۱۳۷۸). «راه و رسم بازسازی سوسیال دموکراسی»، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: تیرازه.
- _____ . (۱۳۸۰). «پیامدهای مدرنیت»، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- یزدان‌پناه، لیلا. (۱۳۸۶). «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره‌ی ۲۶.

- Allik, J. and Realo, A., (2008), Radius of Trust Social Capital in Relation to Familism and Institutional Collectivism, *Journal of Cross – Cultural Psychology.*, Vol. 39, Number 4, pp .447-462.
- Cook , K. S ., (2001) , *Trust in Society* , New York : Russell Sage.
- Judge, Robert(2003). "The difference that Gender makes" social capital, *Gender and Political Participation*, Eyewitness Robert. University of Manitoba.
- Kelly, D.,(2009), *In Preparation for Adulthood, Exploring Civic Participation and Social Trust Among Young Minorities*, *Youth & Society.*, Vol . 40 , Number 4 , pp. 526-540.
- Lee, E., (2006), *Asocial Resource Model of Political Participation, Mass Media Use, Social Capital, and Political Participation (Dissertation)*, Cornell University, UAS.
- Lee, jaechul(2008). social capital and Democracy Embedded in the citizens Reviw Asian survey , vol xLvIII , No 4 , pp.580-602
- Lerner, Denial(1964), *the passing of traditional Society*, New York, The Macmillan com.
- Newton, Kenneth(2001), *Trust, Social Capital Civil Society and Democracy*, *International Political Science Review*, Vole 22, No. 2, 201-214.
- park .chong.min & shin. Doh. Chull (2003). social capital and democratic citizenship : the case of south korea. Working paper series : No. 12 . pp:1-39
- Rahnama, M.(1999), *Peoples Self Development*. London: Zed Books.
- Rothstein, B., and Uslaner, E. M., 2005, *All for All: Equality, Corruptiojn and Social Trust*, *World Politics*, Vol. 58, PP.41-48.
- Rose, R.(1999) getting Things Done in an Anti modern Society : social capital Networks in Russia. in Dasgupta & Serageldin. Pp 71-147
- Zmerli, Sonja & Ken, Newton(2008) *Social Trust and Attitudes Toward Democracy Public Opinion Quarterly* Pp 1-19.

Archive of SID